

# قلم اندازهای عاشقانه

تحلیلی بر سر مشق های دهه های پنجاه، شصت و هفتاد استاد امیر خانی

کاوه تیموری



## اشاره

هنر خوش نویسی یکی از هنرهای فاخر و اصیل اسلامی و ایرانی است. ارزش و اعتبار تاریخی این هنر یکی از عوامل اصلی برای پیوند زمان حال به گذشته است. برخی با ظهور مؤلفه های دنیای مدرن سخن از «رفتن خط به موزه» به میان می آورند اما نظام هندسی و زیباشناسی خوش نویسی چشمه ای مولد و جوشان است که مقطع زمانی را در می نوردد و در هر دوران می توان از آن به عنوان منبع الهام و خلاقیت هنری بهره گرفت. یکی از راه های بهره مندی فنی و هنری از این رشته، مطالعه سلوک و تجربه ورزی بزرگان آن است. بدیهی است هنگامی که این مطالعه در پیوند با روش های کیفی قرار گیرد، حاصل کار از ثمربخشی بیشتری برخوردار خواهد شد.

در مقاله حاضر نزدیک به هزار سر مشق دست نویس استاد غلامحسین امیرخانی از نظر فنی و محتوایی بررسی شده و نکته های زیباشناختی و مهم از آن ها استخراج شده است. مطالعه هزار سر مشق خوش نویسی در دوره زمانی ۳۰ ساله هنرمندی صاحب سبک، درس آموزی های فراوانی برای مدرسان و معلمان سخت کوش هنر دارد؛ خاصه آنکه میل و گرایش طبیعی به هنر خوش نویسی در میان همکاران فرهنگی مثال زدنی است.

**کلیدواژه ها:** سطر نویسی، سر مشق، تغییرات فنی، دوره های کاری

## مقدمه

توصیف صحیح آن‌ها نیز کاری ضروری و زیباشناسانه است. ضمن اینکه در تاریخ خوش‌نویسی معاصر آماده‌سازی تعدادی از سرمشق‌های کلاسی استادان مطرح بی‌سابقه نیست. «سرمشق‌هایی از استاد سیدحسین میرخانی» (انجمن خوش‌نویسان ایران، ۱۳۵۹)، «از سطر نویسی تا کتابت» (استاد کیخسرو خروش، ۱۳۶۳)، «سه جلد سرمشق‌های نستعلیق» (استاد عباس اخوین، ۱۳۶۶) و نسل‌های بعد مثل «سرمشق‌های نستعلیق» (استاد رسول مرادی، ۱۳۷۲)، نمونه‌هایی از این دست هستند. یادآور می‌شود، در این فصل بررسی سرمشق‌های امیرخانی به‌عنوان «موضوع تحقیق هنری» با استفاده از تحلیل مورد توجه قرار گرفته است و کارکرد آموزشی آن مبنای بحث خواهد بود.

## مزیت‌های مطالعه سرمشق‌های کلاسی استاد امیرخانی

- اول آنکه دقت، انضباط و پشتکار ایشان در نگارش سرمشق‌ها پیداست و می‌تواند الگوی جوانان قرار گیرد.
- بینندهٔ اهل تأمل در اثر مواجهه با سرمشق‌هایی که راحت، روان و بدون تکلف نگاشته شده‌اند با آناطومی و ماهیت درونی حروف و کلمات آشنا می‌شود.
- علاقه‌مندان در می‌یابند که هر سطر و هر جمله‌ای که در کلاس نگاشته شده، تجربه و پیش‌زمینه‌ای برای تتبع و از قوه به فعل درآوردن مطالعات نظری استاد به‌شمار می‌رفته است. به‌طوری که در مواردی، نگارش‌هایی که نسخه‌های اولیه آن‌ها

استادان هنرهای تجسمی به شکل عام و استادان هنر خوش‌نویسی به شکل خاص تأثیرگذارترین تجربه‌ها و دریافت‌های هنری را هنگام آموزش به هنرجویان خود کسب کرده‌اند. استاد غلامحسین امیرخانی نیز به‌عنوان هنرمندی که سلوک تعلیم و تعلم را به مثابه دو بال متوازن مورد توجه قرار داده، از این زمره است. کلاس خط ایشان زیر نظر «انجمن خوش‌نویسان ایران» از سال‌های پایانی دههٔ چهل آغاز می‌شود. از اوایل سال ۱۳۵۰، کلاس فعال و پرهنرجویی شکل می‌گیرد که مرور سرمشق‌ها و به اصطلاح قلم‌اندازهای عاشقانهٔ آن دوران، برای علاقه‌مندان دارای جاذبه و درس‌آموز است. در واقع، این سرمشق‌ها و توصیف و تحلیل آن‌ها زیربنا و بنیاد شیوه‌ای را معرفی می‌کند که کمتر از یک دهه بعد، به مطرح‌ترین شیوهٔ خوش‌نویسی زمان خود تبدیل شده است. زمانی زنده‌یاد سید محمود صدرالمعالی (شاگرد مرحوم کلهر) تمام حروف و کلماتی را که استادش ذیل مشق‌های او انجام داده بود با دقت و ظرافت بعد از پُریدن، در صفحاتی تنظیم کرده بود. این مجموعه به ابتکار انجمن خوش‌نویسان ایران و مقدمهٔ مرحوم خسروز عیسی به‌زیور طبع آراسته شد. در اصلاحات و تصحیحات انجام شده، بسیاری از دقایق و ظرایف خط از جمله موصلات، بُرش‌ها و نقطه‌گذاری‌ها آشکار بود و نمایی از پس‌زمینهٔ شیوهٔ پر اعتبار کلهر را نشان می‌داد. بر این اساس، اگر محمود صدرالمعالی با اصلاحات کلهر چنین کاری کرد، جمع‌آوری سرمشق‌های استاد امیرخانی و تحلیل و

که ماه امرن امانت و بال صلح و صلاح

من کوشش استماع مدارم لمن بقول

به سینهٔ داغ تو باید نهادن که نهام

در کلاس اجرا می‌شده، نسخه نهایی آن‌ها به صورت قطعات فاخر عرضه می‌شده است.

● به‌ویژه در سرمشق‌های دهه ۱۳۵۰ حس جست‌وجوگری، آزمون و امتحان در سرمشق‌ها نمود بیشتری یافته است و نتیجه این تلاش و جست‌وجو در سال‌های پایانی دهه پنجاه به شکل شیوه‌ای نظام‌یافته و تثبیت شده معرفی می‌شود.

● برخی از کلمات شاخص، که در قلم‌اندازهای استاد به خوبی تحریر شده‌اند، شاکله و استخوان‌بندی آثار فاخر را نمایان می‌کنند.

● سرمشق‌ها در ذهن تعداد کثیری از هنرجویان استاد لحظات خوش‌خوبندگی و یادگیری را تداعی می‌کنند.

● تأمل در معنا و مفهوم و حساسیت در انتخاب سرمشق‌های نگاشته شده، نشان می‌دهد که در پس‌زمینه قلم‌کاتب، ذهنی معنی‌گرا و مضمون‌یاب در تکاپو و جست‌وجو بوده است. به‌گونه‌ای که سعی دارد بهترین اشعار و دست‌مایه‌ها را برای بیان اندیشه درونی و آثار و لحظات عرفانی یا عارفانه خود مکتوب کند.

● از منظر روش‌شناسی هنری، بررسی مجموعه سرمشق‌ها در گذر زمان مشاهده مستقیم جوهره هنری شیوه‌امیرخانی است.

### ملاحظات روش‌شناختی

مرور سرمشق‌های خوش‌نویسی استاد ملاک ارزیابی و ارزشیابی زیباشناختی شیوه‌امیرخانی نیست. بلکه هدف دنبال کردن روند مداوم کار و تلاش و کلید فهم برای شکل‌گیری شیوه‌ای منسجم است؛ شیوه‌ای که یک‌باره به‌وجود نیامده و با صیقل یافتن در طول دوره فعالیت هنری استاد به بار نشسته



چلیپای کلاسی - ۱۳۵۲

است. رعایت این نکته به‌عنوان فرض اصلی برای کسانی که سرمشق‌ها را مطالعه می‌کنند ضروری است. ملاک ارزیابی آثار استاد، شمار قابل توجهی از قطعات طراز اول ایشان و کتاب‌های چاپ شده است که باید به آن‌ها مراجعه کرد.

در این سرمشق‌های کلاسی، اولین شیگردها و تناسبات خاص و ترکیب‌های ویژه بنیان گذاشته شده و به تدریج و با تأنی تکمیل و کامل شده‌اند. برای مثال، رگه‌های اولیه از ترکیب‌بندی مصرع‌ها و شکل دادن قطعات ترکیب‌بندی شده نستعلیق را می‌توان در آن‌ها ملاحظه کرد.

اهل خط و قوف دارند که نگارش سرمشق‌های کلاسی تنها بُعدی از کارهای امیرخانی را نشان می‌دهد. به موازات آموزش خط، استاد به‌طور مداوم قطعات و نمونه‌های خوش‌نویسانه خود را ارائه کرده‌اند.

### حال و هوای کلاسی (دهه ۱۳۵۰)

امیرخانی جوان در نگارش سرمشق‌های کلاس آنچنان متمرکز می‌شد که فرصت نمی‌کرد به هنرجویانی که در کنار او نشسته بودند، حتی نگاه کند. **محمدعلی صالحی**، یکی از شاگردان امیرخانی، نقل می‌کند: «در سال ۱۳۵۱ در دبستان **عیسی بهرامی**، میدان منیریه، استاد کلاس داشت. پیرمردی هفتاد و چند ساله به نام آقای **امینی**، همیشه به‌عنوان نفر اول در کلاس حضور می‌یافت. او حجم زیادی از تمرینات خود را برای اصلاح نزد استاد می‌آورد. یکی از روزها با همان شوق و شتاب نوجوانی پیش از ایشان به کلاس آمدم و به‌عنوان نفر اول در کنار استاد، خطم را به ایشان ارائه کردم. استاد تا خط را ملاحظه کردند با تعجب گفتند: پس چرا آقای امینی نیامده است؟ در این لحظه آقای امینی از راه رسید و ضمن اشاره به برخاستن من، در کنار استاد نشست. استاد نیز مطابق معمول خط ایشان را اصلاح کرد و پرسید: چرا امروز دیر آمده‌اید؟ پاسخ آقای امینی برای ما درسی عجیب بود و میزان عشق و علاقه راستین او را به خوش‌نویسی می‌رساند. او گفت مرگ حق است! همین امروز ظهر همسرم فوت کرد! با اینکه بسیار ناراحت بودم اما گفتم تا در این یکی دو ساعتی که کارهای مقدماتی توسط دخترانم انجام می‌شود کلاس خط را از دست ندهم. و این تأخیر به‌وجود آمد.» (گفت‌وگوبا نگارنده، ۹۳/۴/۱۵)

این نکته به‌طور حتم بی‌بهای و کم‌ارزش تلقی کردن درگذشت همسر و یار وفادار مرحوم امینی نبوده است، بلکه از عشق و علاقه وافر ایشان به خط و خوش‌نویسی حکایت می‌کند.

نکته بعد تمرکز وافر و کامل استاد امیرخانی در نگارش سرمشق‌های کلاسی است که نشان می‌دهد بسیاری از یافته‌ها و تجربه‌ها را ایشان در کلاس انجام می‌داده است. در آن سال‌ها، کلاس‌های خوش‌نویسی - به جای دو جلسه در هفته در دهه ۱۳۶۰ و یک جلسه در هفته در روزگار فعلی - سه جلسه در هفته تشکیل می‌شد و این وقت، فرصت آموزشی بسیار مطلوبی را برای استاد و هنرجو فراهم می‌کرد. حتی در این دوره‌ها بود که استاد امیرخانی برای هنرجویان دوره ممتاز خود چلیپای کامل در کلاس می‌نگاشتند.

سرمشق‌ها از اشعار و تک‌مصرع‌های خوش‌معنی و مضامین دلچسب انتخاب شده‌اند. این نکته نشان از عمق علاقه



▲ سرمشق - ۱۳۵۹

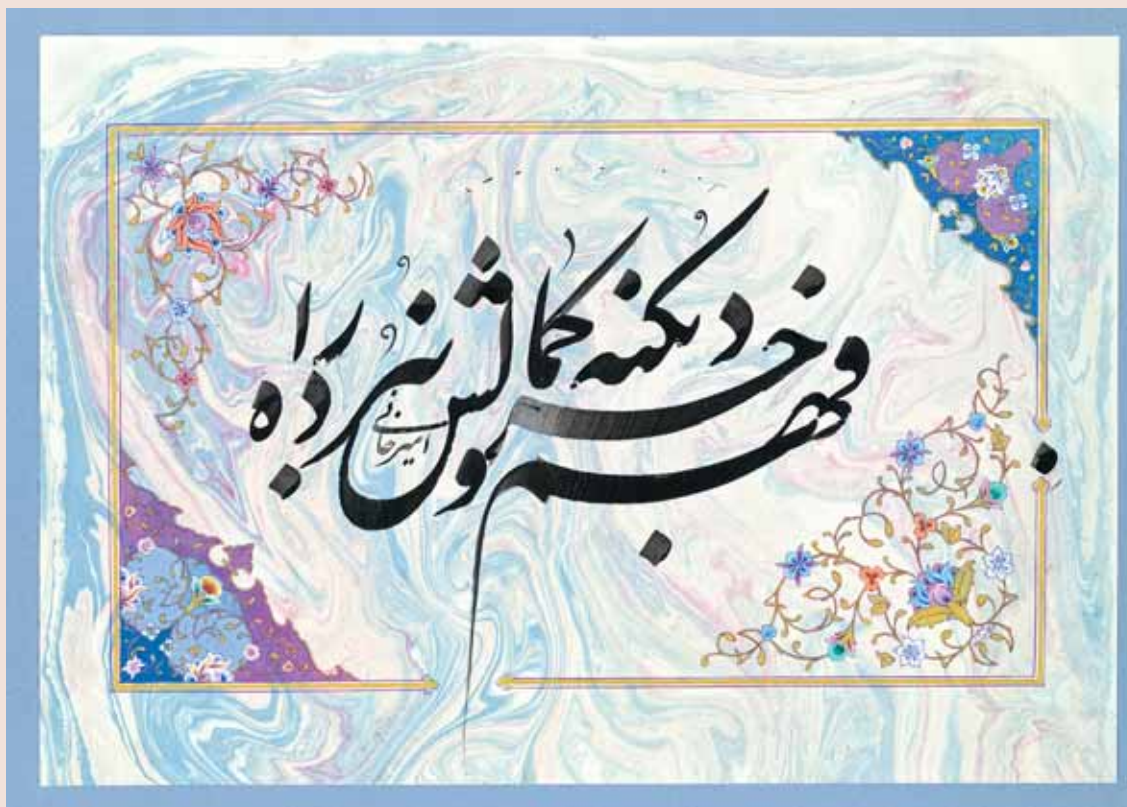
پختگی تدریجی اش در انتخاب مضامین نیز هستیم. به طوری که مصرع‌هایی که دارای مفهوم مستقل و مضمون اثرگذار هستند از سال ۱۳۵۲ رو به تزايد گذاشته‌اند. هر کدام از آن‌ها نشان می‌دهد که کاتب با انتخاب تصادفی به نگارش آن‌ها نپرداخته بلکه با برنامه و مطالعه، آن‌ها را برای نگارش انتخاب کرده است.

مطالعه سرمشق‌ها از نکات فنی مثل «افزایش کشیده‌ها» و «ایجاد کشیده‌های مضاعف» خبر می‌دهد. همچنین در آن‌ها، الهام و اجرا از قطعات شاخص قدما در نگارش

نویسنده آن‌ها به ادب فارسی و حسن انتخاب او برای نگارش دارد. سرمشق‌های نگاشته شده برای بسیاری از نوقل‌مان و تازه‌نویسان و هنرجویان خوش‌نویسی‌الگوهای مناسبی به دست می‌دهند که با مختصری مشق نظری، به خوبی می‌توان با آن‌ها ارتباط برقرار کرد.

### پختگی در انتخاب اشعار سرمشق‌ها

از سال پنجاه که امیرخانی جوان سرمشق‌هایی برای شاگردانش نگاشته، به موازات پختگی او در خط، شاهد



▲ سرمشق - ۱۳۶۳

سرمشق‌ها نیز (علی خیرالبشر...) دیده می‌شود. در حقیقت، می‌توان اذعان داشت که راه مستقل امیرخانی از سال ۱۳۵۱ با ویژگی مهم «صاف‌نویسی» در مقایسه با استادش (استاد حسین میرخانی ۱۳۶۱-۱۲۸۶ ه. ش) آغاز می‌شود.

### قلم‌اندازهای عاشقانه

بررسی سرمشق‌ها نشان می‌دهد که استعداد زودرس امیرخانی، راه مکاشفه در وادی نستعلیق را به سرعت طی کرده است. بین قلم‌اندازها مواردی دیده می‌شوند که شاکله اصلی برای نگارش یک قطعه تمام عیار در آن‌ها شکل‌بندی شده است و بعد از مدتی می‌توان همان قطعه‌ها را به شکل اجرای نهایی در کارهای استاد مشاهده کرد. (تصویر در نهانخانه عشرت صنمی...)

### تغییر در اندازه قلم

در دهه پنجاه، استاد با تغییر قلم از «مشقی» به «جلی»، تمرکز جدی خود را بر این قلم و استمرار کار با آن قرار داده است. این تمرکز موجب شده است زوایای ناشناخته این اندازه از قلم همراه با چیدمان هندسی حروف بر استاد آشکار شود. در واقع، نقطه عزیمت استاد برای روی آوردن به قلم «کتیبه» از کاربرد قلم جلی در این سرمشق‌ها آغاز شده است. زیرا استفاده از قلم ۸ تا ۱۰ میلی‌متری در نوشتن سطرها دیده می‌شود.

بررسی و معاینه دقیق سرمشق‌ها همراه با آزمون‌های لازم نشان می‌دهد که قط قلم استاد متوسط و همراه با فاق بوده است. تجمیع این سرمشق‌ها و ذکر دوره‌های گوناگون آن‌ها، فرصتی برای علاقه‌مندان خط نستعلیق در روزگار معاصر است. مرور و نگارش این قلم‌اندازهای عاشقانه فرصت هم‌نشینی و هم‌قلمی با استاد را در سه دهه، فراروی علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

به همین سان در قلم‌اندازهای کلاسی، بیننده اهل تأمل می‌تواند پشت صحنه نظام هندسی خط نستعلیق را واکاوی کند؛ پشت صحنه‌ای که بنیادهای زیرین این نظام هندسی را به نمایش گذاشته‌اند و شکل تکامل یافته آن را می‌توان در قطعات اصلی استاد به تماشا نشست و از آن لذت برد.

### یک ضرب‌نویسی

از همان سرمشق‌های اولیه سال پنجاه به بعد، ویژگی مهم «یک ضرب‌نویسی» چه در کشیده‌ها و چه در دوایر دیده می‌شود. این شگرد به یکدستی و صافی اجرای اصلی سطر، یعنی کشیده و دایره، منجر شده که خود صفت مهم این خطوط است.

ویژگی مهم دیگر این است که در این سرمشق‌ها، هم اصلی معطوف به تسلط در نگارش و زیبانویسی حروف و کلمات و در نهایت جمله است. به طوری که کوشش ایشان به رعایت خط زمینه و ایجاد کشیده‌های متقارن محدود شده است. گویی تمام این‌ها برای ایجاد زمینه‌هایی لازم است که استاد به سوی توسعه «اصل مهم ترکیب و کرسی‌بندی‌های تازه» حرکت کند. حتی در این سطرها رد پای نقطه‌گذاری یا درج نکات و اشارات تعلیمی بسیار کم دیده می‌شود.

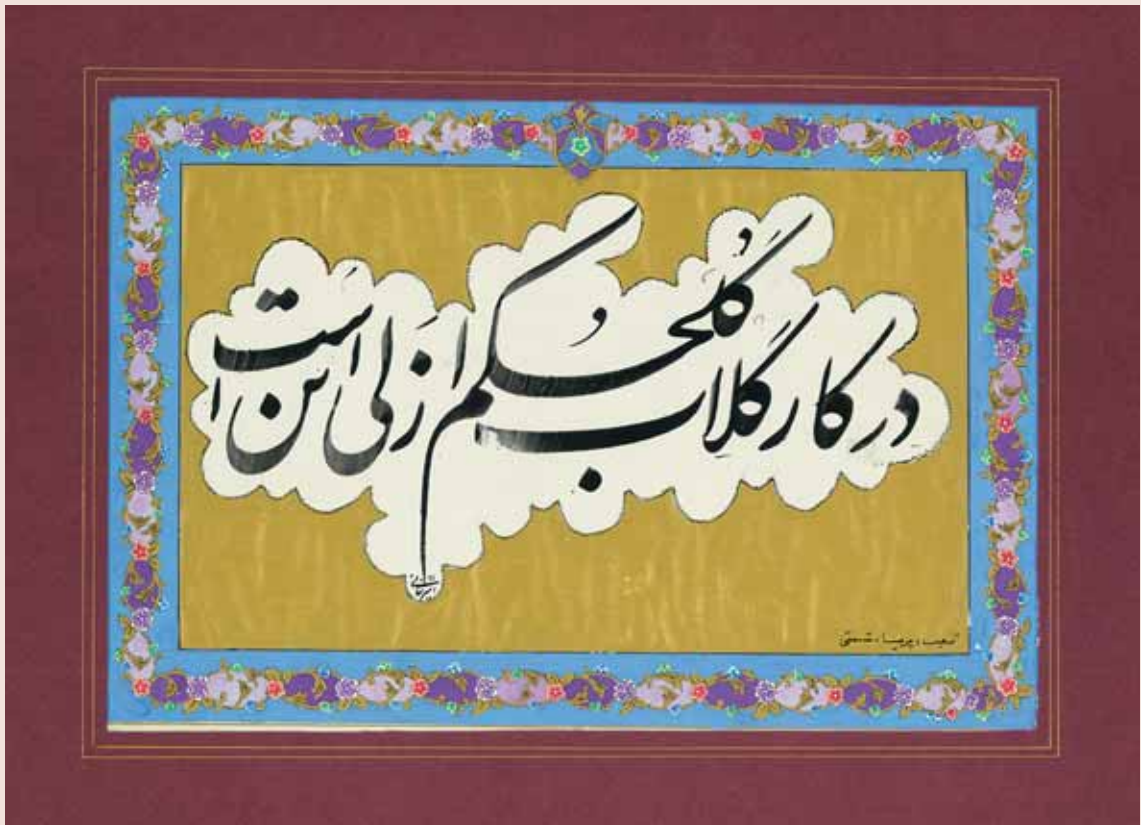
قلم نیز از گوشت بیشتری برخوردار است؛ زیرا مؤلفه‌ها و شمره‌ها در کاغذ تحریر، به شکل قوی اجرا شده‌اند و این نکته نشان می‌دهد که برای حرکت قلم در چنین کاغذی، انعطاف و نرمی زبانه قلم با افزایش کمی گوشت حاصل شده است، به عبارت دیگر، قلم استخوانی تراشیده نشده است.

نکته مهم در نگارش سرمشق‌ها این است که شش‌دانگ زبانه قلم امیرخانی به زیبایی و با قوت بر تن کاغذ می‌نشیند. به عبارت دیگر، قوت (یا حرکت کامل زبانه قلم) در سرمشق‌های ایشان به عنوان یک اصل مهم زیباشناختی به خوبی پیداست.

سرمشق‌ها در اثر ملاحظت و دلچسبی، دارای جاذبه‌ای هستند که در افراد مبتدی و حرفه‌ای ذوق و شوق نوشتن ایجاد می‌کند. برای مثال، نگارنده زمانی که به بررسی نزدیک به ۱۰۰۰ سرمشق اشتغال داشت، ساعتی را به مشق کردن از سرمشق‌ها می‌پرداخت و حال خوش نگارش را تجربه می‌کرد. در سال‌های میانی دهه پنجاه، امیرخانی با اعتماد به نفس بالایی سرمشق‌ها را می‌نگارد. در این مرحله است که با طولانی کردن سطرها و ایجاد کشیده‌ها و ترکیبات، به بار زیباشناختی آن‌ها می‌افزاید. این کار باعث می‌شود سطر مورد نظر ظرفیت معنایی بیشتری نزد مخاطب پیدا کند.

در سرمشق‌ها، با زنجیره حروف و کلمات و ایجاد پیوستگی و مرتبط شدن آن‌ها با هم در زمانی کوتاه، جمله و یا کلیتی

مادر دوجهان بخش بایدیم



▲ سرمشق - ۱۳۶۴

کلاس نوشته است، قابل ارائه هستند. (چلیپاهای کلاسی) در قلم اندازهای عاشقانه استاد یا همان سرمشقیهای کلاسی، ضمن زیبا بودن کلیت کار، در بعضی موارد اجراهای خیره کننده و یا منحصر به فردی از کلمات دیده می شود؛ به گونه ای که نمی توان در صفحه ذهن، زیباتر و پخته تر از آن ها تصور کرد.

در سرمشقیها ارتفاع دادن به سطر هنگام بستن یا قسمت انتهایی با جسارت و جرئت انجام شده است.

سرمشقیها با اینکه بر کاغذهای معمولی (کاغذ تحریری نه گلاسه) نوشته شده اند، به خاطر تنظیم مرکب رقیق تر و تراش قلم، از کشیده ها و دوایر صاف و روان برخوردارند.

### دهه ۱۳۵۰ و تغییرات مهم فنی

امیرخانی در سال های ۵۰ تا ۵۳ با درک درست از شیوه زنده یاد استاد حسین میرخانی، روایتی نزدیک از خطوط ایشان را در سرمشقیها ارائه داده است. نرمی و روانی، حسن ترکیب و سیمای دلنشین مفردات و کلمات، از ویژگی هایی است که در کنار صافی و استحکام شکل نهایی، این سرمشقیهای بی تکلف او را رقم زده است.

وی در این «سطر نوشته ها» پر حرکت و پرجنبش می نویسد. به گونه ای که بیننده احساس جان بخشیدن به مواد نوشتاری را در سرزندگی و شادابی آن ها درک می کند. طی همین فرایند است که به بسیاری از چم و خم های پنهان خط آگاهی می یابد

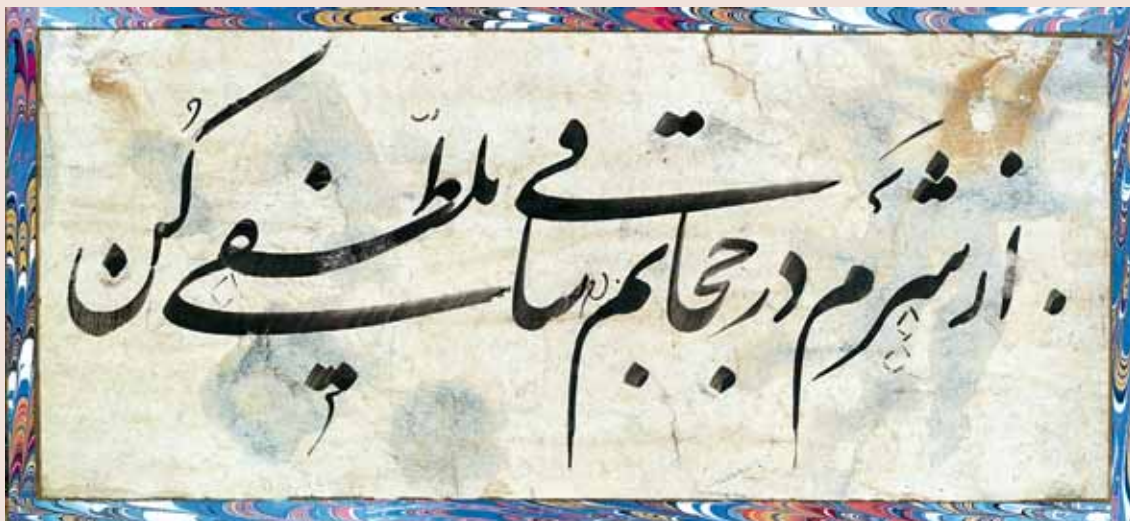
شکل گرفته است که برای بیننده جاذبه و کشش دارد. این نکته ناشی از توازن و تعادلی است که سرمشقیها را در خود جای داده و طبع آدمی در گرایش به آن گریزی ندارد.

در اصل ترکیب و روند مطالعه آن در سرمشقیها مشاهده می شود که سوار کردن حروف و کلمات و یا به عبارت دیگر، چسبان نویسی و پوشش کلمات رو به افزایش است. حتی در مواردی این گرایش به تجمیع اجزای سطر حالت نامتعارف یا بیش از حد نیز پیدا می کند.

در مواردی دیده می شود که امیرخانی در نگارش سطرها به دنبال عرصه ها و فضاهای تازه است. او برای این کار به نوآوری دست می زند و با تحرک بیشتر و خطر کردن، ترکیبات متفاوت و متنوعی برخلاف سنت معمول خوش نویسی ایجاد می کند.

در نگارش سرمشقیها دقت نظر در تنظیم مرکب برداری نیز لحاظ شده است؛ به گونه ای که برداشت مرکب با اتمام آن در انتهای کلمه یا کشیده و یا دایره هماهنگی دارد و اثر طغیان مرکب به ندرت دیده می شود.

اوج معناگستری خوش نویسانه استاد زمانی است که با استفاده از دویبیتیهای مورب و زیبا، سرمشقیهایی در قالب چلیپا آن هم در کلاس می نگارد؛ چلیپاهایی که در شناخت آناتومی و سازوکار درونی خط ایشان بسیار مدد رسان اند. از نظر مصداقی، شماری از چلیپاهایی که استاد برای شاگردانش در



سرمشق - ۱۳۶۷

به خسرو زعیمی روحیه تقابل داشت. در عین حال، وی را در نهایت راضی کردم که به‌عنوان اولین نفر در مرحله آزمون استادی شرکت کند. در مرحله اول ایشان حد نصاب لازم را کسب نکرد و دوباره برای ایشان فرصتی برای آزمون فراهم شد که استادان رأی قبولی را به اثر ایشان ندادند.»

امیرخانی مدعی است که بین امضاکنندگان آزمون، ایشان تنها کسی بوده که رأی قبولی را با امضای خودش تأیید کرده و بعد از این موضوع، استاد حسین میرخانی نیز آن را با امضای خود تصدیق کرده است. ایشان همچنین بیان می‌کند: «علت امضا زدن استاد **خروش** در پای گواهی‌نامه استادی این جانب آن بوده که در آن زمان همه استادان حاضر در انجمن این گواهی‌نامه را امضا می‌کردند. کما اینکه امضای این جانب نیز در گواهی‌نامه استادی جناب **خروش** وجود دارد.» (گفت‌وگوی نگارنده با استاد امیرخانی، ۱۳/۴/۱۳۹۳)

امیرخانی در سال‌های دهه پنجاه علاوه بر آموزش در کلاس خط، به نگارش سلسله کتاب‌های «طلعت حق» اشتغال داشت و دو اثر مهم «تضمین غزل سعدی» (۱۳۵۵) و «ترجیع‌بند هاتف اصفهانی» (۱۳۵۶) متعلق به این دوره‌اند. در واقع، این آثار به‌عنوان نمایی از انعکاس نظم و استمرار کلاس‌های خوش‌نویسی امیرخانی نیز قابل ارزیابی هستند. سرمشق‌های امیرخانی همان قلم‌اندازه‌های عاشقانه‌اند اما برای نسل جوانی از خوش‌نویسان که رؤیای نوشتن نیکوی نستعلیق را در سر می‌پروراندند، سرمشق‌هایی دلنشین و اثرگذارند. زیرا در آن‌ها تکلف معمول جاری نیست و قلم حالت طبیعی خود را دارد. بنابراین دستیابی به راز و رمز نگارش سهل‌تر می‌نماید.

مواردی از سرمشق‌ها نشان می‌دهند که استاد با تمرکز روی یک موضوع خاص و فنی مثل بُرش‌های دوایر، تشدید کشیده‌ها، ایجاد کشیده‌های مضاعف، فرم‌بخشی مستطیلی یا کتیبه‌ای به سطر، قطعه‌نگاری، بزرگ کردن قلم، و مواردی از

و مشکلات خط خود را حل می‌کند. مطالعه سطر نوشته‌ها و قلم‌اندازه‌های بی‌تکلف وی از اوایل سال ۱۳۵۰ نشان می‌دهد که استعدادی فوق‌العاده و خطاطی تیزهوش در حال شناساندن خود به جامعه خوش‌نویسی است. خطاطی که شیوه پرورش یافته‌اش بعدها تأثیرات زیباشناسی قابل ملاحظه‌ای بر جریان خط به جا نهاد و جایگاه آن را ارتقا داد. نمونه‌های موفق در این سرمشق‌های قلم‌انداز و سردستی کم نیستند، اما تمام آن‌ها گویی یک داستان واحد را بازگو می‌کنند و آن داستان تلاش و ناپستادن در وادی خط است. نگارنده را اعتقاد بر این است که زمان نگارش ناب‌ترین خطوط امیرخانی بعد از اتمام زمان کلاس بوده است. زیرا بنابر یک تجربه مشترک، بسیاری از مدرسان و استادان با تمرکز حاصل از جلسه تعلیم و ایجاد گرمی دست، به نگارش قطعات موفق ناائل می‌شوند.

در سرمشق‌های سال ۱۳۵۴ کرسی‌بندی دوایر اختصاصی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دوایر مفرد کمی بالاتر از خط زمینه معمول قرار می‌گیرند. ایستایی مؤلفه‌ها یا عمودنگاری آن‌ها در تلفیق با صفت قبلی، به استحکام سطر انجامیده است. ضمن آنکه با صافی کشیده‌ها و پیوستگی بیشتر در سطر، شاهد سطرهای درخشان در این سال هستیم. یادآور می‌شود که از سال ۱۳۵۳ خط امیرخانی با موفقیت از مرحله استادی انجمن خوش‌نویسان عبور کرد و ایشان در آن مقطع اولین کسی بود که این مرحله را پشت سر نهاد و به جامعه خوش‌نویسی معرفی شد.

استاد روایت این اتفاق را در آن مقطع زمانی در گفت‌وگو با نگارنده چنین بیان کردند: «در سال ۱۳۵۳، استاد حسین میرخانی و **خسرو زعیمی** موضوع مرحله استادی و تبدیل آن به طراز اداری را با این جانب طرح کردند که من در پاسخ اولویت را به **استاد اویس وفسی** دادم. اویس وفسی با شخصیت ویژه خود زیر بار این موضوع نمی‌رفت. ایشان نسبت



▲ قطعه - ۱۳۹۰

بزرگ‌تر احساس تسلط بیشتری دارد. نگارنده واقف است که این نکته به پشتوانه‌های بیشتری نیاز دارد. ترکیب‌های محکم و گاه فی‌البداهه، وجهی دیگر از مختصات سرمشق‌های این دوره است.

سرمشق‌های این دوره از نظر ترکیب، سوارکردن حروف و کلمات، تشدید و مضاعف شدن کشیده‌ها، فرم‌بخشی هندسی و... پیچیده‌ترند. به عبارت دیگر، در این دوره سرمشق‌های ساده کمتر یافت می‌شوند. در واقع، در این دوره اوج ترکیب‌بندی‌های استاد را می‌توان در سرمشق‌ها ملاحظه کرد؛ قالبی که در قلم استاد نهاده شده است و نمونه‌های

این دست به نگارش پرداخته است.

در واقع، برای هر دوره یک برنامه‌ریزی یا گرایش طبیعی ویژه وجود داشته تا با تجربه آزمایی بیشتر، آنچه را در ذهن پرورده بود در صفحه اجرا کند.

ترکیب‌بندی و ایجاد کمپوزیسیون با حروف و کلمات یک مصرع، اگر زمانی در اوایل دهه پنجاه جنبه آزمون داشت، در سال ۱۳۵۶ به شیوه‌های جا افتاده تبدیل شد. در این مقطع زمانی، امیرخانی با دادن ورز هنری لازم به موارد نوشتاری خود، ترکیب‌بندی آن‌ها را رقم می‌زد. بررسی آثار نوشته شده نشان می‌دهد که این توانایی به جزء ذاتی قلم امیرخانی تبدیل شده است.

### قلم‌اندازهای دهه ۱۳۶۰

در این دوره زمانی، ارتقای نوع کاغذ از کاغذ تحریری به کاغذ گلاسه باعث شد که کیفیت خط به شکل مطلوب‌تری عرضه شود. در کاغذ گلاسه، مرکب نیز از غلظت و سیاهی بیشتری در سرمشق‌ها برخوردار شده است. صافی، رنگ قوی و بروز و نمود بهتر اندام حروف و کلمات به خاطر کاغذ گلاسه، باعث شد که معدل زیبایی سرمشق‌ها افزایش یابد و بیننده در مواردی هرکدام را در شأن و مرتبه یک قطعه نظاره کند.

به همین سان، نرمی کاغذ گلاسه باعث شد موصلاتی که اجرای آن‌ها در کاغذ تحریر نمود کاملی نداشت، در اجرای کاغذ گلاسه به شکل راحت‌تر و کامل‌تری عملی شود. به همین دلیل دندانه‌ها و اتصالات، قوی‌تر شدند و تأثیر آن‌ها بر سرمشق‌ها این بود که آن‌ها نیز قوی‌تر در چشم بیننده تجلی پیدا کنند.

در قلم‌اندازهای دهه شصت شاهد افزایش عرض زبانه قلم هستیم. به گونه‌ای که قلمی مانند کتیبه (تا مرز دو سانتی‌متر)، مانند موم بین انگشتان استاد قلم‌گردانی می‌شود. با این اندازه از قلم، ضمن نگارش‌های خوش‌نما و خوش‌معنی، بسیاری از نکات تعلیمی ارائه شده‌اند. به عنوان یک فرضیه می‌توان بین بزرگ شدن زبانه قلم و بالا رفتن سن نیز ارتباط برقرار کرد. زیرا به طور طبیعی، کاتب هنگام نگارش با قلم



▲ سرمشق - ۱۳۶۱



# لغت منقبت مع زنی حق میرم

سرمشق - دهه ۶۰ ▲

فرصت‌های اتفاقی و پراکنده برای ارائه آثار و گرفتن راهنمایی از استاد بهره گرفته‌اند.

نکات تعلیمی استاد در این دوره با توجه به نوع هنرجویان که اکثراً در سطح فوق ممتاز و ممتاز بوده‌اند، در حد ارائه نکات کلیدی و اصلاحات به جای سرمشق بوده است. ضمن آنکه در کلاس‌های فوق ممتاز ارائه نمونه‌های ترکیب‌بندی و چلیپاهایی که از عیار زیباشناختی قابل توجه برخوردارند، به‌طور مداوم توسط ایشان ارائه شده است.

## جمع‌بندی

با مطالعه سرمشق‌ها می‌توان در جمع‌بندی به این نتیجه رسید که تجربیات دهه پنجاه زیربنای مهم و اصلی شیوه امیرخانی را تشکیل داده‌اند و سایر تلاش‌ها در دهه‌های شصت و هفتاد بر یافته‌های این دوره مهم استوار شده و تکوین یافته‌اند.

دهه شصت با تغییراتی در نکات فنی، اندازه دواپر و سیمای مفردات همراه است. در این دوره سرمشق‌ها نشان می‌دهند که قلم‌گردانی ماهرانه ایشان در قلم جلی به بالا به ثمر نشست و سرمشق‌ها نیز از نظر فنی پیچیده‌تر شده‌اند.

موفق آن را در قطعات می‌توان مطالعه کرد. باید توجه داشت که در این دوره از شاگردان مبتدی متوسط یا مرحله خوش در کلاس کاسته شده است و هنرجویان عالی، ممتاز و فوق ممتاز اکثریت را در کلاس تشکیل داده‌اند.

در همین دوره است که صفحاتی از اصلاحات و تصحیحات انجام شده شکل می‌گیرند که سیر جست‌وجو، تلاش فنی و ارائه نکات تعلیمی استاد در آن‌ها قابل ردیابی است. یکی از این تلاش‌ها، هم‌نشین کردن اندازه‌های کوچک و بزرگ قلم در کنار هم و آزمون کردن عیار زیبایی این هم‌نشینی‌هاست. می‌توان این شگرد را به‌عنوان دست‌ورزی استاد یادآور شد. در این موارد استاد برای یافتن بهترین تناسب‌ها، اجراهایی از خرد و درشت کلمات را در کنار هم قرار می‌دهد. گاهی به ایجاد ترکیب‌بندی می‌پردازد و گاهی با درهم آمیختن چند اندازه قلم، فضاهای دلنشینی را شکل می‌دهد.

## قلم‌اندازهای دهه ۱۳۷۰

در دهه هفتاد از شمار سرمشق‌های کلاسی استاد کاسته شده است. دلیل این امر بالارفتن مسئولیت‌های اداری استاد است که فرصت داشتن کلاس و ارتباط با هنرجویان را از وی سلب کرده است. با این حال بسیاری از هنرجویان از

# عاشقان جام سرمشق

سرمشق - دهه ۶۰ ▲

در جدول زیر ویژگی سرمشق‌ها در سه دهه مورد اشاره آمده است.

ویژگی سرمشق‌ها	دهه
<ul style="list-style-type: none"> <li>-روایت از شیوه استاد حسین میرخانی</li> <li>-تمرکز بر تجربه‌های جدید(کرسی بندی، ترکیب بندی و تشدید کشیده‌ها)</li> <li>-تنوع در اندازه قلم، آغاز جلی نویسی</li> <li>-یک ضرب نویسی، صاف نویسی و طولانی کردن سرمشق‌ها</li> <li>-ارائه مفردات و ترکیبات اختصاصی</li> <li>-استفاده از قلم با قَط متوسط و فاق</li> <li>-چسبان نویسی، پوشش دادن کلمات، تجمیع اجزا و ارتفاع دادن به سطر</li> <li>-افزایش استحکام و قوت</li> <li>-کرسی بندی اختصاصی</li> <li>-نهادینه شدن شیوه اختصاصی امیرخانی</li> </ul>	دهه پنجاه
<ul style="list-style-type: none"> <li>-ارتقای کاغذ تحریری به کاغذ گلاسه در سرمشق‌ها</li> <li>-وضوح بهتر سیمای مفردات و کلمات</li> <li>-قوی شدن دندان‌ها و موصلات</li> <li>-افزایش عرض زبانه قلم(تثبیت جلی نویسی)</li> <li>-قلم گردانی ماهرانه با قلم کتیبه</li> <li>-تبدیل سرمشق‌های ساده به سرمشق‌های پیچیده از نظر فنی</li> <li>-ترکیب بندی‌های نستعلیق(مُقَطع نگاری)</li> <li>-هم نشین کردن حروف و کلمات در تصحیحات کلاسی</li> <li>-تغییر در ارتفاع دوایر و سیمای مفردات</li> </ul>	دهه شصت
<ul style="list-style-type: none"> <li>-شکل گیری صفحات تعلیمی شامل اصلاحات و تصحیحات</li> <li>-کاهش سرمشق‌های حضوری و نبود کلاس تعلیم حضوری</li> <li>-برگزاری جلسات آموزش عمومی</li> </ul>	دهه هفتاد